

علل و انگیزه های حضور پر رنگ طلقاء در فتوح شام

محمدابراهیم رفیعی¹ صابر اداک²

¹ دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، Rafiee.Ebrahim1345@gmail.com

² استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) Adaksaber@gmail.com

نویسنده مسئول: Adaksaber@gmail.com

تاریخ دریافت: 1403/06/03 تاریخ پذیرش: 1404/03/18

چکیده

طلقاء به گروهی از قریش گفته می شود که پس از فتح مکه در سال هشتم هجری، با پذیرش اسلام و با سیاست پیامبر مبنی بر گذشت به جای انتقام، از اسارت و مجازات رهایی یافتند. ایشان پس از یک دوره کناره گیری حاصل از پیشامدهای سیاسی، از سال یازدهم هجری با حضور پررنگ خود در فتوح شام سعی می کردند با شیوه های جنگی خود که آمیخته با روحیه جهادی بود، لیاقت و شایستگی خود را به خلفا و سایر مسلمانان نشان دهند. همچنین ایشان با برخورداری از پشتوانه شبکه تجاری خود و منافع که از ورود کالاها به دریای مدیترانه و سواحل آن به دست می آوردند، توانستند همه شام را تصاحب نمایند. طلقاء از شام به عنوان حلقه اتصالی بهره می بردند که کالاهای بازرگانی را از دریای سرخ به سوی مصر و سرزمین های شمال مدیترانه و بالعکس منتقل می کرد و از این راه به ثروت هنگفتی دست یافتند. در این هنگام بود که طلقاء برای حفظ و نگهداری سرزمین های مفتوحه شام در برابر حملات امپراطوری روم، به فکر یادگیری نبردهای دریایی افتادند. خلفا به مسلمانان اجازه جنگ های دریایی را ندادند اما در زمان خلافت عثمان بن عفان و با اصرار معاویه بن ابی سفیان شرایط آشنایی مسلمانان با جنگ های دریای فراهم شد و طلقاء قدرتمند شدند و زمینه های حضور تدریجی آنان در عرصه قدرت و دستگاه حکومت ایجاد گردید. در این نوشتار به انگیزه های ایشان در فتوح شام، تقویت تعامل با حکومت و مشارکت در حوزه سیاسی و تصدی امور نظامی، از دوران ابوبکر تا علی بن ابی طالب پرداخته شده است. سؤال اصلی آن است که طلقاء با چه شیوه ها و انگیزه هایی توانستند تا پایان خلافت عثمان، در فتح شام نقش آفرینی کنند و در آن سرزمین ماندگار شوند. در نوشته حاضر با شیوه توصیفی و تحلیلی و بهره مندی از اسناد کتابخانه ای، بیان شده است که طلقاء چگونه با راضی نگه داشتن خلفا در صدد تثبیت جایگاه خود در حکومت و تسلط بر تمام بلاد شام برآمدند و موفق به ایجاد حکومت ملوک الطوائفی در آنجا شدند.

کلیدواژه: فتوح شام، طلقاء، ابوسفیان، معاویه بن ابوسفیان

مقدمه

طلقاء جمع طایق، بر وزن فعیل به معنای اسیری است که از اسارت آزاد شده است. (مقریزی، امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع، 1402ق، 8/388). در اصطلاح به کسانی همانند ابو سفیان بن حرب و معاویه بن ابی سفیان و عموماً اهل مکه گفته می شود که پس از فتح مکه، در سال هشتم هجری مسلمان شدند و پیامبر اسلام آنان را به بردگی نگرفت و ایشان را آزاد نمود. سپس اموالشان را به خودشان برگرداند (ابن اثیر جزری، 1364ش، 3/136؛ ابن منظور، 1405ق، 10/227؛ زبیدی، 1414ق، 1/316؛ دهخدا، ذیل مدخل طلقاء). و خطاب به آنان فرمود: «اذهبوا فَأَنْتُمْ الطَّلَاقُ» (ابن هشام، بی تا، 2/412؛ یعقوبی، بی تا، 2/60؛ طبری، بی تا، 3/61). به همین سبب مردم مکه را طلقاء (آزاد شدگان) می گفتند. (طبری، 3/61). طلقاء از مهاجرین و انصار و تابعین نیستند. (دهخدا، مدخل طلقاء).

برخی از طلقاء، از جمله ابوسفیان، صفوان بن امیه، یزید بن ابی سفیان، معاویه، عکرمه بن ابی جهل و سهیل به عمرو در فتوحات دوران خلفاء، به ویژه در فتح شام، نقش آفرینی کردند. آنان با توجه به انگیزه های گوناگون قبل و بعد از اسلام، با رشادت های نظامی و داشتن استعداد های مدیریتی توانستند بر تجارت و فرهنگ منطقه شام² اثرگذار باشند و یک شبکه تجاری فعال ایجاد نمایند.

¹ - بروید که از آزاد شدگانید.

² - این سرزمین شامل کشورهای کنونی (سوریه، فلسطین، اردن و لبنان) بوده است و جغرافیدانان عرب نام شام را بر آن نهاده اند. منطقه از طرف شمال به کشور رم (ترکیه یا آناتولی امروزی)، از طرف غرب به دریای روم (مدیترانه امروزی) و از طرف شرق به بیابان ایله و از فرات تا مرز رم

این اثرگذاری به روابط تجاری آنان قبل از اسلام برمی گردد که پیمان‌های بازرگانی با مناطق شام، یمن، حبشه و ایران داشتند. (میبدی، 1361 ش، 625-626/10؛ قرطبی، 1405 ق، 204/20؛ ابوحیان، 1412 ق، 549/10)

دو عامل تجارت و وجود کعبه که دلیل توسعه و مرکزیت شهر مکه بود موجبات افزایش قدرت قریش در مکه را نیز فراهم می کرد؛ زیرا ایشان هم نبض اقتصاد و هم شئون مذهبی کعبه را در دست داشتند. قریش به تدریج از طریق تجارت، ثروت گزافی انباشتند و ثروت‌اندوزان بزرگی در مکه پدید آمدند. (جواد علی، 1968 م، 114/1). از این پس به دلیل اهمیت سوق الجیشی شام، قریشی‌ها برای تجارت معمولاً شام را انتخاب می کردند. همچنین اختلافات میان امیه بن عبدشمس و عمویش هاشم بن عبد مناف در میان مردم محبوبیت داشت و همین امر رشک و حسد امیه را برمی انگیزت و او را به بدگویی از عمویش وامی داشت، نهایتاً به دعوایی منجر شد که پیروز آن ها شام بود. امیه و خاندانش بر اساس عهد فی‌ما بین، به شام مهاجرت کردند و به مدت ده سال در آن ناحیه سکنی گزیدند. (بلاذری، از ساب الاشراف، بی تا، 60-61/1؛ طبری، 253/22؛ مقریزی، النزاع والتخا صم فی مابین بنی امیه و بنی هاشم، ص 40-39)

زمانی که پیامبر اسلام در سال یازدهم هجری درگذشت، ابوسفیان که به دستور پیامبر در نجران به سر می برد (ابن کلبی، 1407 ق، ص 49؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، بی تا، 55/5) پس از بازگشت به مدینه و اطلاع از وفات پیامبر و بیعت مردم با ابوبکر، سخت بر آشفته و گفت: خلافت شایسته فرزندان عبدمناف است، آیا شما راضی شدید که ابوبکر بر شما زمامداری کند؟ سپس از علی بن ابی طالب خواست که برای بیعت دست دراز کند و گفت: ای بنی هاشم، چنان نباشید که قبایل دیگر سیادت و رهبری را که حق شماست تصاحب کنند. (علی ع) اعتدای بی به وسوسه های تفرقه انگیز و فتنه گرانه او ننمود. (یعقوبی، بی تا، 126/2؛ مسعودی، مروج الذهب و المعادن الجواهر، 1409 ق، 299/2) ابوسفیان که دریافت دیگر نمی تواند در انتخاب جانشین پیامبر نقشی داشته باشد و در صورت بیعت با خلیفه، خود و خانواده اش امتیازاتی بدست خواهند آورد، با ابوبکر بیعت کرد. (یعقوبی، بی تا، 126/2؛ بلاذری، انساب الاشراف، بی تا، 271/20؛ ابن ابی الحدید، بی تا، 44/2) به نظر می رسد که بیعت ابوسفیان و حمایت طلقاء از خلیفه اول، در اسلام آوردن اعراب بدوی اطراف مدینه چندان بی تأثیر نبود. ابوبکر بلافاصله پس از پایان یافتن غائله ارتداد، سپاه بزرگی برای حمله به شام تدارک دید که حضور پررنگ طلقاء در آن مشهود بود.

براین اساس پرسش اصلی چنین صورت بندی می شود که طلقاء چه کسانی بودند و با چه انگیزه ای در فتوح شام شرکت داشتند؟ آنها چگونه بر تمام شام مسلط شدند؟ این جستار با شیوه توصیفی و تحلیلی با بهره مندی از اسناد کتابخانه ای، در پی بیان سرنوشت آنان در دوره خلفای ثلاث در شام است.

پیشینه

در خصوص انگیزه حضور طلقاء در فتوح شام، تاکنون پژوهشی مستقل صورت نگرفته، گرچه پژوهش هایی درباره خود طلقاء منتشر شده است از قبیل «زعماء مکه، النبی و اجداده أم الطلقاء» اثر نجاح الطایبی (2012 میلادی) که به زبان عربی است و زعماء مکه را به خیر و شر تقسیم بندی کرده است. بنی هاشم را منبع خیر و بنی امیه را منبع شر و گناه می داند. در این اثر به اسامی طلقاء و نقش آنان در دوران پیامبر اکرم (ص) و به عصر خلفای بعد از پیامبر هیچ اشاره ای نشده است. اثر دیگر تألیف السید محمود المقدس الغریفی (2012 م) است که در فصل چهارم آن به شرایط و صفات خلیفه اسلامی پرداخته شده؛ گرچه موضوع آن «الطلاق و الخلافه» است. درباره علل و انگیزه ها در کیفیت انجام فتوح، کتاب مفصل و تخصصی «فرد مک گرو دانه»^{*} تحت عنوان the Early Islamic Conquests (فتوح اولیه اسلامی) (1981 م)، با توجه به منابع و دیدگاه معتدل مؤلف آن، منبعی مناسب به نظر می رسد. مؤلف در این اثر، به فتوح از زاویه تأثیر مهاجرت قبایل عرب بدوی و شرکت فعالانه آنها در فتوح و سپس سکونت در مناطق مفتوحه پرداخته و این امر را از جمله انگیزه های فاتحان در کشور گشایی می داند. وی به برخی از طلقاء مؤثر در فتوح با ذکر نام و منصب آنان پرداخته است.

منتهی می شود و در جنوب آن مرز مصر و بیابان بنی اسرائیل واقع شده است و آخرین محدوده آن در رفح به سمت رم است. (اصطخری، بی تا، ص 55)

* Fred McGraw Donner

هیو کینیدی* هم در کتاب خود (2008 م) تحت عنوان *The Great Arabe Conquests* (که قاسم عبده قاسم این کتاب را تحت عنوان *الفتوح العربیه الکبری* به عربی ترجمه کرده است) به بیان جامع فتوح مسلمانان از ابتدا تا فتح سیسیل و کرت، در سده سوم هجری، پرداخته است. او نیز به رغم پرداختن به فتوح مسلمین در سرزمین‌های ایران و رم پرداخته است. به طور کلی مقالاتی که درباره طلقاء نوشته شده است، تنها به ریشه‌های اختلاف بین بنی‌امیه و بنی‌هاشم در پیش از اسلام و چگونگی برخورد امویان با بنی‌هاشم در دوران‌های مختلف تاریخ اسلام توجه کرده‌اند. بنابراین در این حوزه تحقیق مستقلی درباره انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی طلقاء و نقش‌آفرینی آنان در فتوح شام انجام نشده است.

تأسیس شبکه تجاری قریش با محوریت هاشم و عبدشمس

در شهر مکه به دلیل اوضاع نامناسب جوی و غیرقابل کشت بودن زمین، مردم ناگزیر تجارت را برای امرار معاش انتخاب می‌کردند ولی تجارتشان جزئی و محدود به مکه بود. (یعقوبی، بی‌تا، 315/1). وجود کعبه نیز عامل دیگری برای توسعه و گسترش شهر مکه و رونق اقتصادی این شهر بود؛ زیرا عرب منطقه سالی دوبار برای انجام مراسم حج وارد مکه می‌شدند. قریش متصدی شئون مختلف مربوط به کعبه بودند. در این میان قُصَی بن کلاب،¹ تمامی مناصب مربوط به کعبه را در دست داشت که این مناصب پس از مرگ او، میان فرزنداناش تقسیم شد؛ به این ترتیب که پرده‌داری کعبه، سرپرستی دارالندوه و لواء را به عبدالدار و سقایت، رفادت و قیادت را به عبدمناف واگذاشت؛ (ازرقی، 1416/2). اما شماری از نوشته‌ها از انتقال ریاست مکه به عبدمناف پس از وفات قصی گزارش می‌دهند. (یعقوبی، بی‌تا، 242/1؛ مقدسی، بی‌تا، 110/4).

عبدمناف پسر سرشناس قصی بود که پسرانی به نام‌های عمرو، که هاشم لقب یافت، عبدشمس، مطلب و نوفل از خود به جای گذاشت. (یعقوبی، بی‌تا، 242/1) آنان، افزون بر عهده‌داری برخی از مناصب کعبه، به تأسیس و راهاندازی شبکه تجارت، با محوریت مکه اقدام نمودند. ایشان پس از انعقاد توافق نامه‌های تجاری با کانون‌های تجاری در پیرامون جزیره‌العرب،² همچون شام، ایران، حبشه و یمن و نیز بستن پیمان‌هایی با قبایل ساکن در مسیر کاروان‌های تجاری، زمینه امنیت راه‌های مناطق بازرگانان را فراهم کردند. هاشم در دوران ریاستش بر مکه، با پایه‌گذاری دو سفر زمستانی و تابستانی، تجارت را گسترش داد. او با شامیان و برادرش، عبدشمس، با حبشه پیمان بست. (ابن سعد، 1410، 62/1؛ یعقوبی، بی‌تا، 242/1). در سایه همین پیمان‌های تجاری بود که قریش، کار تجارت را به صورت حرفه‌ای در پیش گرفت. هاشم و قریشیان کالاهای بسیاری را به سوی فلسطین از سال می‌نمودند. (طبری، بی‌تا، 251/2). چنان‌که واژه «ایلاف» در سوره قریش را به معنای «پیمان‌ها» دانسته‌اند. پیمان‌های مناطق شام، یمن، فارس، حبشه که توسط فرزندان عبدمناف بسته شده‌اند.³ پس از ایمنی راه‌ها، هاشم با امیر شام که دست‌نشانده امپراطوری روم بود پیمان بست تا بازرگانان مکه آزادانه به این کشور رفت و آمد کنند. (یعقوبی، بی‌تا، 215/1). علاوه بر این او با قبایلی که در مسیر شام بودند پیمان بست تا متعرض کاروان‌های بازرگانان مکه نشوند. (همانجا). و به آنان تعهد داد که کالاهای بازرگانی آنان بدون اخذ کرایه توسط تجار مکه به مقصد حمل گردد. (ابن سعد، 410/1، 78/1). بدین ترتیب هاشم خط بازرگانی بین یمن تا شام را تأسیس کرد. (ابن هشام، بی‌تا، 143/1؛ طبری، بی‌تا، 180/2). او هنگام موسم حج بخش زیادی از مال خود را به پذیرایی از حجاج اختصاص می‌داد و از مردم قریش نیز درخواست می‌کرد با رضایت کامل از پاک‌ترین و حلال‌ترین مال خود برای اطعام حجاج به او کمک کنند. این

* Hugh Kennedy

¹ قُصَی بن کلاب بن مرّه بن کعب، جد چهارم پیامبر و پیشوای قریش در مکه، او این شهر را از سیطره خزاعیان بیرون آورد و قریش را سروری داد. از جمله اقدامات او: حفر چاه‌ها و ارائه خدمات به زائران بیت‌الله الحرام و بازسازی کعبه بود. (ابن سعد، 1410/1، 55-56).

² جزیره العرب میان آبهای خلیج فارس، دریای عمان، دریای عرب در مشرق، اقیانوس هند و خلیج عدن در جنوب و دریای سرخ در مغرب قرار دارد. (اصطخری، بی‌تا، ص 14؛ یاقوت حموی، 1995 م، 137/2).

³ لِإِیْلَافِ قُرَیْشٍ، لِإِیْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الْإِشْتَاءِ وَالصَّیْفِ، برای الفت دادن و دوست داشتن و گردهم آمدن قریش با هم دیگر در زمستان به سوی یمن و تابستان به سوی شام برای تجارت سفر کنند. (قرآن، قریش/ 2-1؛ میبیدی، 1361 ش، 625-626/10، 625؛ قرطبی، 1405 ق، 204/20؛ ابوحیان، 1412 ق، 549/10).

قبیل کارها سبب عظمت و بزرگی او در بین مردم شده بود؛ به همین خاطر نزد مردم از احترامی خاص برخوردار بود. برادرزاده ها شَم، امیه بن عبدشمس (مقدسی، بی تا، 110/4). نیز فردی تاجر و ثروتمند بود؛ اما سخاوتمند و کریم نبود. او خود را به سختی می انداخت تا مردم را اطعام کند و می خواست به وسیله این بذل و بخشش ها، توجه مردم را به خود جلب نماید؛ ولی مردم به هاشم بیشتر احترام می گذاشتند. بدگویی های امیه علیه ها شَم، بر عظمت و عزت او می افزود و برخی مردم قریش، امیه را نکوهش و سرزنش می کردند. او خشمگین می شد و بر عظمت و بزرگی عموی خود حسد می ورزید. سرانجام عموی خود را وادار کرد تا پیش بعضی دانایان عرب بروند و هر کدام از آنها مورد تحسین دانایان عرب قرار گرفت، او زمام حجاج را به دست گیرد و فرد محکوم نیز، پنجاه شتر برای اطعام مردم قربانی کند و ده سال از مکه بیرون برود. سرانجام امیه محکوم شد و ناگزیر شترها را قربانی کرد و خود نیز ده سال به شام رفت. (بلاذری، انساب الاشراف، بی تا، 61/1-60؛ طبری، بی تا، 253/2)

پس از هاشم، پذیرایی حجاج مکه به فرزندش، عبدالمطلب، رسید و امیه نیز قیادت مکه را به فرزند خود، حرب بن امیه بن عبدشمس، واگذار کرد. (ازرقی، 1416ق، 115/1). اختلاف در میان فرزندان ها شَم و عبد شمس از این جا شروع شد. در همسایگی عبدالمطلب، مردی یهودی زندگی می کرد. حرب او را کشت تا مالک ثروتش بشود و به این دلیل مورد اعتراض عبدالمطلب قرار گرفت. دشمنی بین آن دو شدت یافت. در نهایت داوری نفیل بن عبدالعزی را پذیرفتند که عبدالمطلب را شریف و برتر دانست. (بلاذری، انساب الاشراف، بی تا، 73/1-72؛ طبری، بی تا، 253/2-254)

انگیزه های طلقاء در فتوح شام:

چنان که گفته شد پس از ایمنی راه ها، شهر مکه به عنوان حلقه اتصال بین یمن و شام درآمد. بدین ترتیب قریش تجارت با خارج از جزیره العرب را آغاز کرد (طبری، بی تا، 180/2؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، 1385ش، 16/2). و تاجر مکه علاوه بر شرکت در بازارهای موسمی (مانند عکاظ، ذوالمجاز و مَجَنَه) در زمستان به یمن و حبشه و در تابستان به شام و غزه سفر می کردند. در این سفرها مواد معطر، بخور، پارچه های ابریشمی، پوست و کالاهای دیگر را که از هند و چین و مناطق دیگر وارد یمن می شد خریداری و از طریق خشکی در طول جزیره العرب از مسیر حضرموت به موازات دریای سرخ¹ به مکه حمل می کردند و سپس به غزه، بیت المقدس، دمشق و بنادر دریای مدیترانه منتقل می کردند و از بازارهای شام گندم، روغن، زیتون، چوب و مصنوعات را می خریدند؛ همچنین از طریق بندر جدّه² با عبور از دریای سرخ وارد بازار حبشه می شدند و گشایش این راه بازرگانی شهر مکه را به یک مرکز تجاری پر سود تبدیل کرد و تحول بزرگی در زندگی قریشیان ایجاد شد. (حسن ابراهیم حسن، 1964م، 62/1)

بهره مندی از غنائم و ثروت انباشته شده در امپراطوری روم شرقی (بلاذری، 1398ش، ص 253). و رفع ناامنی در مسیر شبکه تجاری قریش، منجر به جلب منفعت و دفع ضرر برای خود و اهل مکه گردید. پس از فتح مکه، علاقه وافر طلقاء به منطقه شام و ارتباط مداوم آنان با دوستان و آشنایانی که از گذشته داشتند، از جمله انگیزه های آنان برای روی آوردن به شام بود.

منطقه شام به دلیل موقعیت سوق الجیشی و قرار گرفتن در مسیر تجاری، همواره مورد توجه حکومت ها قرار داشته است. این موارد چیزی نبود که ذهن طلقاء از آن غافل بماند.

پیامبر اسلام در غزه خندق که در سال پنجم هجری رخ داد فتح ایران و روم را به مسلمانان وعده داد؛ (طبری، بی تا، 569/2-568). همچنین در نبرد موته که در سال هشتم هجری رخ داد، برای ایجاد انگیزه در تازه مسلمانان، بخشی از سرزمین های شام را به اصحاب خویش بخشید؛ از جمله، قریه بیت لحم از مناطق بیت المقدس را که زادگاه حضرت عیسی مسیح است، به تمیم بن اوس بن الخارجه

¹ - دریای سرخ به عربی البحر الاحمر، که بیشتر دریای قُلُوم گفته می شود، خلیجی از اقیانوس هند است که میان شبه جزیره عربستان و شمال شرقی قاره آفریقا قرار دارد و دهانه باب المندب را به اقیانوس هند پیوند می دهد. کانال سوئز در شمال، آن را به دریای مدیترانه وصل می کند. در همسایگی این دریا، عربستان، یمن، سودان، مصر، فلسطین، اردن، جیبوتی، اریتره قرار دارد. (بروسری، 1427ق، ص 40-41-42)

² - از مهم ترین شهرها و بندرهای عربستان است که در کنار دریای سرخ واقع شده است و حدودا 75 متری غرب مکه است و لنگرگاه کشتی هایی که از هند، عدن، یمن، عیذاب و قلزوم می آمدند. به همین خاطر این شهر از بازرگانی پر رونقی برخوردار بود. (حمیری، 1984م، ص 157)

الداری، که خودش اهل آن ناحیه بود بخشید و نوشته‌ای به او داد و تمیم در زمان خلیفه دوم پس از فتح آن ناحیه نوشته پیامبر را به خلیفه نشان داد.¹

معاویه، یکی از کاتبان پیامبر اسلام بود. او و پدرش ابو سفیان و دیگر طلقاء، به خوبی به نقش بازرگانی مناطق شام در توسعه رونق اقتصادی و اجتماعی پی برده بودند و این درک، انگیزه آنان را برای ایفای نقش در آن تقویت می‌کرد. ایشان مدیریت پیامبر اسلام را با هوشیاری رصد می‌کردند؛ پیامبر اسلام در واپسین روزهای حیات خود سپاهی را به فرماندهی أسامه بن زید برای دفاع در برابر حملات امپراطوری روم به سرحدات شام فرستاد. برخی هم احتمال داده‌اند که نخستین هدف پیامبر از اعزام این سپاه، تصرف مرزهای شام و جبران شکست سریه موته باشد.

انگیزه طلقاء در فتح شام در دوران خلفای راشدین

الف) دوران ابوبکر

ابو سفیان که به دستور پیامبر در نجران به سر می‌برد (ابن کلبی، 1407، ص 49؛ ابن کثیر، بی‌تا، 55/5). پس از بازگشت به مدینه و اطلاع از وفات پیامبر و بیعت مردم با ابوبکر، سخت برآشفته و گفت: «هیچ گروهی نمی‌تواند نزاع ما را حل کند مگر با خون.»² او که از بنی عبدمناف و از سران طلقاء بود، ابتدا از بیعت با ابوبکر امتناع ورزید و گفت: «ای عبدمناف، آیا راضی شدیدی که ابوبکر زمامداری کند؟» سپس از علی بن ابیطالب خواست که دست دراز کند و با او بیعت کند. وی با سرودن شعری می‌خواست تعصب قبیله‌گرایی فرزندان عبدمناف را تحریک کند و نسل قصی بن کلاب را نسل غالب بر دیگران می‌دانست. (یعقوبی، بی‌تا، 126/2؛ مسعودی، مروج الذهب، 1409ق، 299/2 نیز به همین مضمون دارد).

از آنجا که و سه‌های ابو سفیان، در برانگیختن علی در مقابله با ابوبکر و برپا ساختن تفرقه و آشوب در مدینه‌الرسول، بی‌اثر ماند، (یعقوبی، بی‌تا، 126/20؛ مسعودی، الانساب الاشراف، بی‌تا، 271/2؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، 44/2). کسانی از بنی‌امیه، از جمله عثمان بن عفان، چند ساعتی پس از بیعت سقیفه، در مسجد حضور یافتند و با ابوبکر بیعت کردند. (طبری، بی‌تا، 387/3؛ ابن قتیبه، 1410ق، 28/1). ابوسفیان دریافت که دیگر نمی‌تواند در جانشینی پیامبر تغییری ایجاد کند و در صورت بیعت با خلیفه، خود و خاندانش، امتیازاتی دریافت خواهند کرد؛ بنابراین بیعت کرد. (طبری، بی‌تا، 210/3-209، ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، 44/2)

پس از فتح مکه طلقاء منصبی که در مکه داشتند را از دست دادند. بنابراین یکی دیگر از انگیزه‌های ایشان بازپس‌گیری سیادت و ریاست خود بر مکه بود. آنان توانستند لیاقت و شایستگی خود را به خلفای ثلاثه نشان دهند. از جمله آنان می‌توان به یزید بن ابی‌سفیان، معاویه بن ابی‌سفیان، عکرمه بن ابی‌جهل اشاره کرد.

از دیگر انگیزه‌های طلقاء در فتح شام، اشتیاق آنان به مشارکت در فتوح و شرکت در نبردهای جهادی بود. خلیفه اول به اعمال زکات نوشت که هر کسی می‌خواهد می‌تواند لشکر یا سپاهش را تبدیل یا تغییر دهد و در فتح شام شرکت کند؛ از این رو سپاه عکرمه، که مأمور جمع‌آوری زکات بود، خواهان تغییر مأموریت شد و خلیفه اول هم موافقت نمود و سپاه او به سپاه «تبدیل» معروف شد. (طبری، بی‌تا، 390/3-389).

طلقاء سعی می‌کردند تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی خود را در نبردهای اعراب، همچون دوران قبل از اسلام، برای خلفاء ثلاث، به اثبات برسانند. این روحیه جهادی، گاهی آشکارتر است مانند زمانی که خالد بن ولید، در نبرد یرموک، به ابوسفیان گفت: فردا شما با قوم جبلة بن الایهم که حزب شیطانند و تعدادشان خیلی بیشتر از شما است روبرو خواهید شد. (واقدی، 1426ق، ص 159). و ابو سفیان در جوابش گفت: سپاه ما از سپاه پهلوانان عرب هستند، و در جنگ با هزاران نفر از آنان پیروز خواهیم شد. (همو، 1426ق، 160/1-)

¹ - تمیم بن اوس بن خارجی الداری، از مسیحیان اهل فلسطین بود که در سال نهم هجری مسلمان شد. وی پیش‌گام در فرهنگ قصه‌گویی در تاریخ اسلام بود. (أبی عُبَید القاسم بن سلام، الأموال، تحقیق هراس محمد خلیل، دارالفکر، بیروت، 1408ق، ص 349؛ ابن اثیر، اسدالغابه، 1385ق، 215/1)

² - إني لأرى فتقاً لا يرتقه آلا الدم. (بلاذری، جمل من انساب الاشراف، 271/2). إني لأرى عَجَاجَةً لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا الدَّم. (طبری، بی‌تا، 209/3؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، 44/2).

159). و در این نبرد بود که او یک چشم خود را از دست داد (طبری، بی تا، 401/3). و خالد یزید بن ابی سفیان، عکرمه بن ابی جهل، سهیل بن عمرو و صفوان بن امیه را که جملگی از طلقا بودند به فرماندهی دسته‌هایی از این نبرد گمارد. (واقعی، 1426، 396/3). همچنین زنان طلقاء از جمله هند بنت عتبّه بن ربیع و سلمی بنت هاشم، با همان شیوه و رسوم قبل از اسلام، با قرائت شعر، همسرانشان را که از فرماندهان بودند، تشجیع و علیه دشمنانشان تشویق و تحریک می‌کردند. (همو، 196/1). ایشان در فتح شام و در نبرد یرموک نیز چنین نقشی ایفا می‌کردند. آنان در این نبرد، همان شعر روز احد را قرائت می‌کردند و با هم‌خوانی، احساسات مسلمانان را علیه دشمنان تحریک می‌نمودند. (همو، 204/1).

از تأثیرگذارترین افراد در تحریک و تحریض مسلمانان، ابوسفیان بود که در زیر پرچم پسرش یزید، با صدای بلند شعر می‌خواند و سخت نبرد می‌کرد؛ (همانجا). همچنین ام‌حکیم، دختر الحارث بن هاشم القریشیّه المخذومیّه، در تحریک مسلمین می‌خواند: ای جماعت عرب شمشیرهایتان را از نیام برآورید و به جنگ کافران بروید. (همو، 208/1).

ب) دوران خلیفه دوم عمر بن خطاب:

از دیگر انگیزه‌های طلقاء برای فتح شام، آشنایی آنان به دریا و دریا نوردی و اهمیت آن از دیدگاه پیامبر اسلام بود. اعراب از دیرباز با دریا و دریانوردی آشنایی داشتند و چون اکثر آنها از طریق تجارت روزگار می‌گذراندند، کشتی‌های تجاری آنان همواره در حال فعالیت بود. (جوادی علی، 1968م، 205/1).

ساکنان جزیره‌العرب، به دلیل سکونت در منطقه‌هایی که از سه طرف در محاصره دریا قرار داشت، همواره با دریا و ارتباطات دریایی آشنا بودند و بارها در تجارت زمستانی به سوی حبشه، از دریای سرخ عبور کرده‌است. به علت آشنایی ساکنان جزیره‌العرب با دریا و نیز اهمیت آن در سوره‌های قرآن کریم از دریا با الفاظ بحر، بحیره، بحرین (اسراء/66، اعراف/162، انعام/97-59-63، یونس/22). و چهاربار نیز از سفینه نام برده شده‌است. (عنکبوت/15).

روایتی است که می‌گوید: در سال 28 هجری و در دوران خلیفه دوم، معاویه اصرار داشت که به نبرد دریایی برود؛ به همین جهت برای او از فایده دریا و مزایای آشنایی مسلمانان با نبرد دریایی چنین نوشت: ای خلیفه، در شام دهکده‌ای است که مردم آن عوعو سگان رومیان و بانگ خروس‌هایشان را می‌شنوند، آنها مقابل یکی از سواحل حمص اند. عمر به گفته او اعتماد نکرد و به عمرو بن عاص نوشت که دریا را برایم توصیف کن. عمرو برای او نوشت: مخلوقی بزرگ که مخلوقی کوچک بر روی آن نشسته‌است. به جز آسمان و آب چیزی نیست و اگر مسلمانان سوار کشتی شوند مانند کرمی هستند که در دریا سوار چوب شده‌اند؛ اگر این چوب کج شود کرم غرق می‌شود و چنانچه آن سالم باشد به سرعت دور می‌شود. (طبری، بی تا، 259/3). عمر به معاویه نوشت: شنیده‌ام که دریای شام بر قسمت بسیار وسیعی از زمین سیطره دارد. مردم قبرس روز و شب دعا می‌کنند که خداوند ساکنان آنجا را غرق کند، پس من چگونه به سپاه مسلمانان اجازه دهم که به دریا روند؟¹ و می‌گفت: به خدا قسم، من یک مسلمان را بیشتر از آنچه در روم است دوست دارم، هرگز در این باب با من سخن نگوئید؛ (طبری، بی تا، 259-260/3). و خلیفه اجازه نبرد دریایی نداد.

ج) دوران عثمان:

از دیگر انگیزه‌های طلقاء از جمله معاویه و عبدالله بن سعد بن ابی‌سرح در شام و فتح قبرس، کسب غنائم و اسیران جنگی² بود. پس از اینکه خلیفه سوم، عثمان بن عفان به خلافت رسید، معاویه برای حمله به قبرس، در سال بیست‌وهشت هجری از خلیفه کسب اجازه

¹ به نظر می‌رسد دلیل اینکه خلیفه دوم اجازه فتح دریایی را نداد این بود که ایشان هیچ آشنایی با حرفه‌ی بازرگانی و منطقه شام نداشت و دریا را نمی‌شناخت. وقتی که عمرو بن عاص اطلاعاتی از دریا به او داد و فهمید که اگر مسلمانان سوار کشتی شدند جانشان در خطر است، با وجود فوایدی که معاویه از دریا برای او نوشت، پاسخ داد که جان مسلمانان برای من مهم‌تر از فتح قبرس است.

² در جنوب ترکیه، غرب سوریه، جنوب یونان، شمال مصر و شمال غربی فلسطین، لبنان و غزه، جزیره‌ای به نام جزیره قبرس، سومین جزیره بزرگ دریای مدیترانه است. (یاقوت حموی، 1995م، 305/4).

کرد. (ابن اثیر، الکامل، 1385، 97/3؛ ابن جوزی، 1412ق، 364/4). عثمان گفت: همانطور که عمر اجازه نداد من هم اجازه نمی‌دهم؛ اما چنانچه به پیروزی خود اعتماد داری می‌توانی اقدام کنی؛ به شرط آن که خانواده‌ات را با خود ببری. (همانجاها). معاویه بلافاصله دستور داد 220 کشتی آماده و پس از سوار نمودن اهل و عیال خود به سوی قبرس حرکت کرد. قبل از آنکه به آنجا برسد، سربازان او، یک کشتی را که حامل هدایایی از طرف حاکم قبرس، برای هرقل، پادشاه روم بود توقیف و به غنیمت گرفتند و سپس به راحتی وارد قبرس شدند و شهر را غارت کردند. پادشاه قبرس تسلیم شد و به قرار پرداخت 7200 دینار زر به معاویه در هرسال و تعهدی مبنی بر خودداری از گرفتن زن از رومیان، پیمان صلحی امضاء کرد. (طبری، بی‌تا، 262/4-261؛ ابن

اعثم کوفی، 1411ق، 351-350-349). علاوه بر این، معاویه می‌خواست بر سواحل دریا، از جمله عکاء، صور، طرابلس، شام و قیساریه نیز تسلط داشته باشد و منافع این منطقه را از آن خود کند. عبدالله ابن سعد بن ابی‌سرح نیز از مصر، معاویه را همراهی کرد و فرماندهی دسته مصری‌ها را برعهده داشت. ابوالفداء مقدار جزیه را هفت‌هزار دینار ذکر کرده‌است. (ابی‌الفداء، 1417، 233/1).

در دوران خلافت عثمان، معاویه پس از فتح جزایر قبرس «جزیره رودس، صقلیه، آرداد، صواری» تا سال 31 هجری، با کمک عبدالله بن سعد بن ابی‌سرح، توانست رومیان را شکست دهد. در این سال بود که معاویه عامل خلیفه برای همه شام شد و از طریق تجارت آنجا، ثروت گزافی انباشت. (طبری، بی‌تا، 288/4).

پس از رحلت پیامبر اسلام، بنی‌امیه و طلقاء، به دنبال ایجاد یک پایگاه مناسبت برای ترویج افکار خود و حضور فعال در امور سیاسی و اجتماعی مسلمانان بودند تا به تدریج به دستگاه خلافت نفوذ نمایند؛ از این‌رو هنگامی که عثمان، ابوذر غفاری را به شام تبعید کرد.

(یعقوبی، بی‌تا، 171/2؛ طبری، بی‌تا، 283/4؛ ابن اثیر، الکامل، 1185ق، 113/3؛ همو، السد الغابۀ، 1409ق، 357/1). ابوذر در شام به کارهای معاویه اعتراض می‌کرد. او در مسائل مالی، مخصوصاً آنچه به بیت‌المال مربوط می‌شد، بسیار سخت‌گیر بود و می‌خواست همه مسلمانان روش پیامبر را در این زمینه تعقیب کنند؛ اما معاویه را می‌دید که اموال مسلمین و بیت‌المال را مال الله و در اختیار خود می‌داند و به مال‌اندوزی معاویه اعتراض می‌کرد. (طبری، بی‌تا، 283/40؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، 1385ق، 114/3؛ ابن

خلدون، 1408ق، 588/2-587).

هنگامی که معاویه در دمشق، قصر الخضرا را بنا نهاد و آنجا را پایگاهی ماندگار و پایتخت دائمی خود نمود، ابوذر به او گفت: ای معاویه، اگر این قصر از پول خداست، خیانت است و اگر از پول خودت است اسراف نموده‌ای. (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، 256/8). معاویه به عثمان نامه نوشت و وی را از سخنان ابوذر آگاه ساخت و گفت: تو شام را به وسیله او بر ما نابود خواهی کرد. پس عثمان به معاویه نوشت: او را همراه شخصی خشن بر شتری چموش سوار کرده و به مدینه بفرست. بدین ترتیب او را به مدینه آوردند، درحالی‌که گوشت دو رانش ریخته بود. (یعقوبی، بی‌تا، 172/2). با این حال وی را پیش عثمان بردند و افرادی هم نزد او نشسته بودند. عثمان به ابوذر گفت: به من گفته‌اند که تو می‌گویی: از پیامبر خدا شنیدم، هرگاه شمار بنی‌امیه در حکومت به سی نفر برسد، مالک سرزمین‌های خدا می‌شوند و دین خدا به دست چاپلوسان و دغلبازان می‌افتد.¹ عثمان به دنبال علی بن ابی‌طالب فرستاد و او آمد و گفت: ای ابوالحسن، آیا تو از پیامبر این حدیث را شنیده‌ای؟ ابوذر حدیث را نقل کرد و علی گفت: بله شنیده‌ام. (یعقوبی، بی‌تا، 172/20؛ ذهبی، 1414ق، 59/2؛ ابن کثیر، بی‌تا، 185/7).

¹ إِذَا كَلِمَتِ بَنُو أُمِيَّةٍ ثَلَاثِينَ رَجُلًا اتَّخَذُوا بِلَادَ اللَّهِ دِرْلًا وَ عِبَادَ اللَّهِ خَوْلًا دِينَ اللَّهِ دَغْلًا. (یعقوبی، بی‌تا، 172/2).

نتیجه:

طلاق گروهی از مخالفان پیامبر اسلام بودند که پس از فتح مکه، پیامبر به آنها فرمود: «اذهبوا و أنتم الطلقاء». یعنی شما آزادشدگانید. تعداد ایشان بیش از دو هزار نفر بود و از قبایل مختلف قریش از جمله بنی امیه، بنی مخزوم، بنی جُمح، بنی خزاعه، بنی زهره، بنی تیم و ... بودند. از جمله آنان می توان به ابوسفیان بن حرب، صفوان بن امیه، یزید بن ابی سفیان، عکرمه بن ابی جهل، سهیل بن عمرو و معاویه بن ابی سفیان اشاره کرد که خلیفه اول در فتوح شام از آنان به عنوان فرماندهان اصلی شام بهره جست. آنان از فوائد این فتوح، از جمله: تجارت، قدرت، ثروت، غنیمت و اسراء، نهایت استفاده را نمودند. ایشان در تعامل با حکومت و مشارکت در حوزه سیاسی و تصدی در امور نظامی، در دوران خلفای سه گانه توانستند به هدفشان، که زمامداری همه شام بود برسند و آنجا را به یک پایگاه ثابت جهت راهیابی به دستگاه خلافت تبدیل نمایند.

فهرست منابع:

1. قرآن کریم.
2. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیه العظمی المرعشی نجفی، قم، بی تا.
3. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح دارالأضواء، بیروت، 1411.
4. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، دارصادر، بیروت، 1385.
5. همو، اسدالغابة، دارالفکر، بیروت، 1409.
6. ابن اثیر جزری، مجدالدین ابوالسادات، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق طاهر احمد الزاوی محمود محمد الطناحی مطبوعات اسماعیلیان، قم، 1364 ش.
7. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی التاریخ الملوك و لأمم، دارلکتب العلمیه، بیروت، 1412.
8. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، محقق محمد عبدالباقر عطاء، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1410.
9. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، تاریخ ابن خلدون، مصحح سهیل زکار، دارالفکر، بیروت، 1408.
10. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، الامامة و السیاسة، دارالاضواء، بیروت، 1410.
11. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة و النهایة، دارالفکر، بیروت، بی تا.
12. ابن کلبی، هشام بن محمد، جمهرة النسب، عالم الکتب، بی جا، 1407.
13. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر ادب، حوزة قم، 1405.
14. ابو حیان، محمد بن یوسف، تفسیرالبحر المحیط، دارالفکر، بیروت، 1412.
15. ابی فداء، اسماعیل بن علی، تاریخ ابی الفداء، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417.
16. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویه، تحقیق مصطفی السقا ابراهیم الآبیاری، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
17. ابوعبید، قاسم بن سلام، الأموال، محقق هراس محمد خلیل، دارالفکر، بیروت، 1408.
18. أزرقی، محمد بن عبدالله، اخبار مکة ما جاء فیها من الآثار، تحقیق رشدي صالح ملحس، دارالاندلس، بیروت، 1416.
19. اصطخری، ابراهیم بن محمد، المسالك و الممالك، دار صادر، بیروت، بی تا.
20. بروسری، محمد بن علی، أوضاع المسالك الى معرفة البلدان و الممالك، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1427.
21. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الأشراف، محقق محمد باقر محمودی، دارالمعارف، مصر، بی تا.
22. همو، فتوح البلدان، دار و مکتبه الهلال، بیروت، 1988.
23. بکری، عبدالله بن عبدالعزیز، معجم مااستعجم من اسماء البلاد و المواضع، محقق مصطفی سقا، عالم الکتب، بیروت، 1403.
24. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه و معرفة أحوال صاحب الشریعة، محقق قلجی، عبدالمعطی امین، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1405.
25. جواد علی، المفضل فی التاریخ العرب قبل الاسلام، دارالعلم للملایین، بیروت، 1968.
26. حسن ابراهیم حسن، تاریخ اسلام، مکتبة النهضة المصریه، قاهره، 1964.
27. حمیری، محمد بن عبدالمنعم، الروض المعطار فی خبر الاقطار، محقق احسان عباس، مکتبة لبنان، بیروت، 1984.
28. دهخدا، لغت نامه، مدخل طلقاء.
29. ذهبی، محمد بن احمد، سیراعلام النبلاء، محقق ارناووط، شعب، مؤسسه الرساله، بیروت، 1414.
30. زبیدی، مرتضی، تاج العروس، من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، دارالفکر بیروت، 1414.
31. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، بوستان کتاب، قم، 1385 ش.

32. همو، فرازی از تاریخ پیامبر اسلام، مشعر، قم، 1394 ش.
33. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم 1374 ش.
34. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، محقق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی نا، بیروت، بی تا.
35. قرطبی، ابی عبدالله محمد، الجامع الأحکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1405.
36. کاشانی، ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، انتشارات محمد حسین علمی، تهران، 1336 ش.
37. مسعودی، علی بن حسین، التنبيه و الإشراف، مصحح عبدالله اسماعیل الصاوی، دارالصاوی، قاهره، بی تا.
38. همو، مُروج الذهب و معادن الجواهر، محقق اسعد داغر، مؤسسه دارالهجره، قم، 1409.
39. همو، اثبات الوصیه لإمام علی بن ابی طالب، انصاریان، قم، 1417.
40. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، مکتبه الثقافیه الدینیّه، قاهره، بی تا.
41. مقریزی، تقی الدین، امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع، تحقیق محمد الحمید النمیسی، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1420.
42. همو، النزاع و التخاصم فیما بین بنی امیه و بنی هاشم، صالح الوردانی، الهدف للاعلام، بی جا، بی تا.
43. میبدی، رشیدالدین ابوالفضل، کشف الاسرار و عدۀ الابرار، حکمت، تهران، 1361.
44. همو، فتوح الشام، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1426.
45. همو، الردء، محقق جیوری، یحیی وهیب، دارالغرب الاسلامی، بیروت، 1410.
46. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، دارصادر، بیروت، 1995.
47. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ البیعوبی، دارصادر، بیروت، بی تا.

References

1. Holy Quran.
2. Ibn Abi Al-Hadid, Abdul Hamid bin Hibatullah, Explanation of Nahj Al-Balagha Kitab Khanah Ayat Al-Azma Al-Marashi Najafi Qom, n.d.
3. Ibn A'tham Kufi, Muhammad bin Ali Al-Futuh, Dar Al-Adwaa, Beirut, 1411 G.H.
4. Ibn Atheer, Ali: Ibn Muhammad al-Kamil fi al-Tarikh, published in Beirut, 1385 A.H.
5. Hummu Asad al-Ghabah, Dar al-Fikr, Beirut, 1409 G.H.
6. Ibn Atheer Jazari, Majdaldin Abu al-Sadat, al-Nihayah fi Gharib al-Hadith wa al-Athar, edited by Taher Ahmad al-Zawi Mahmoud Muhammad al-Tanahi, Ismailian Publications, Qom, 1344 A.H.
7. ibn Jawzi Abd al-Rahman bin Ali al-Mutazim in the history of kings and nations, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut, 1412 G.H.
8. Ibn Saad, Muhammad, Al-Tabaqat Al-Kubra, edited by Muhammad Abd Al-Baqir Ata, Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah, Beirut, 1410 G.H.
9. Ibn Khaldun, Abdul Rahman bin Muhammad, History of Ibn Khaldun, corrected by Suhail, Zakkar, Dar Al-Fikr, Beirut, 1408 G.H.
10. Ibn Qutaybah, Abdullah bin Muslim, Al-Imamah and Politics, Dar Al-Adwaa, Beirut, 1410 G.H.
11. Ibn Kathir, Ismail bin Omar, The Beginning and the End, Dar Al-Fikr, Beirut, n.d.
12. Ibn Kalbi Hisham bin Muhammad Jamharat al-Nasab, scholar of books, Bija, 1407 G.H.
13. Ibn Manzur, Muhammad bin Makram Lisan al-Arab, publication of literature, Qom Seminary, 1405 G.H.
14. Abu Hayyan, Muhammad bin Yusuf, Tafsir Al-Bahr Al-Muhit, Dar Al-Fikr, Beirut, 1412 G.H.
15. Abi Fida Ismail bin Ali, The History of Abul Fida, Dar Al-Kutub Al-Ilmiyya, Beirut 1417 G.H.
16. Ibn Hisham Abdul Malik, The Biography of the Prophet, edited by Mustafa Al-Saqqa, Ibrahim Al-Abiyari, Dar Al-Ma'rifa, Beirut, n.d.
17. Abu Ubaid, Qasim bin Salam Al-Amal, Haras investigator, Muhammad Khalil, Dar Al-Fikr, Beirut, 1408 G.H.
18. Azraqi, Muhammad ibn Abdullah, Mecca News and its Narrations, edited by Rushdi Saleh Malhas, Dar Al-Andalus, Beirut 1416 G.H.
19. Istakhri Ibrahim bin Muhammad Al-Masalik wal-Mamluk, Dar Sader, Beirut, n.d.
20. Brosari, Muhammad bin Ali, Latest Paths to Knowledge of Countries and Kingdoms, Dar Al-Gharb Al-Islami, Beirut, 1427 G.H.
21. Baladhari, Ahmed bin Yahya Ansab Al-Ashraf, edited by Muhammad Baqir Mahmoudi, Dar Al-Maaref, Egypt, 2017 A.D.
22. Hamo, Futouh al-Buldan, Al-Hilal House and Library, Beirut, 1988 A.D.
23. Bakri, Abdullah bin Abdulaziz, a dictionary of the names of countries and places, edited by Mustafa Saqa', the scholar of books, Beirut, 1403 G.H.
24. Bayhaqi, Ahmad bin Hussein, Evidence of Prophethood and Knowledge of the Conditions of the Author of Sharia, by Qalaji Abd al-Mu'ti, Secretary of Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut, 1405 G.H.
25. Jawad Ali al-Mufaddal in Arab History Before Islam, Dar al-Ilm Lil-Malayin, Beirut, 1968 A.D.

26. Himyari, Muhammad bin Abd al-Moneim al-Rawd al-Ma'tar fi Khabar al-Aqtar, edited by Ihsan Abbas, Lebanon Library, Beirut, 1984 A.D.
27. Hasan Ebrahim Hasan, History of Islam, Maktabat al-Nahdat Al-Masriya, Cairo, 1964 A.D.
28. Dehkhoda, Lughat Namah is the entrance to Talqa.
29. Dhahabi, Muhammad bin Ahmad, Siyar A'lam al-Nubala', Muhaqqiq Arnaout, Sha'b al-Risala Foundation, Beirut, 1414 G.H.
30. Zubaidi, Mortada, Taj Al-Arous from Jawaher Al-Qamoos, edited by Ali Shiri Dar Al-Fikr, Beirut, 1414 G.H.
31. Subhani, Jafar Forugh Ibdit Bostan Kitab, Qom, 1385 A.H.
32. Hamo Farazi on the History of Islam in Mash'ar, Qom, 1394 A.H.
33. Tabatabai Muhammad Hussein, Al-Mizan fi Interpretation of the Qur'an, Islamic Publications Notebook, Qom, 1374 A.H.
34. Tabari, Muhammad bin Jarir, The History of Nations and Kings, edited by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim, Bina, Beirut, 2017 A.D.
35. Qurtubi, Abi Abdullah Muhammad Al-Jami' Al-Ahkam Al-Qur'an, Dar Al-Kutub Al-Ilmiyya, Beirut, 1405 G.H.
36. Kashani Mulla Fathullah, Interpretation of the Methodology of the Truthful in Compelling the Violators, published by Muhammad Hussein Alami, Tehran, 1336 A.H.
37. Masoudi, Ali bin Hussein, Al-Shabhi and supervision, Abdullah Ismail Al-Sawy Sanatorium, Dar Al-Sawy, Cairo, n.d.
38. Hamo, Murooj al-Dhahab wa al-Jawiyah Minerals, edited by Asaad Dagher, founder of Dar al-Hijra, Qom, 1409 G.H.
39. Concerns about proving the will of Imam Ali bin Abi Talib Ansarian, Qom, 1417 G.H.
40. Maqdisi, Mutahhar bin Taher, The Beginning and History, Religious Cultural Library, Cairo, n.d.
41. Maqrizi, Taqi al-Din, Enjoying Listening to the Prophet's Conditions, Money, Grandchildren, and Heirlooms, edited by Muhammad al-Hamid al-Numaisi, Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Beirut, 1420 G.H.
42. Concerns about the conflict and dispute between the Banu Umayyah and Banu Hashim Salih al-Wardani, the target of the media, n.p, n.d.
43. Rashid al-Din Abu al-Fadl's Revelation of Secrets and the Punishment of the Righteous, Tehran Wisdom, 1361 A.H.
44. Waqidi, Muhammad bin Omar, Al-Maghazi, investigator, Jones Marron, Al-Alami Publications Foundation, Beirut, n.d.
45. Hamu, Futouh al-Sham, Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Beirut, 1426 G.H.
46. Hamu, al-Rada, author, Jubouri Yahya Wahib, Dar al-Gharb al-Islami, Beirut 1410 G.H.
47. Yaqut Hamwi Yaqut bin Abdullah Dar Sader, Beirut, 1995 A.D.
48. Yaqubi, Ahmed bin Ishaq, History of Al-Yaqubi, Dar Sader, Beirut, n.d.

The reason of motivation and influential effect of Talqa in the conquer of sham

Mohammad Ebrahim Rafiee¹³
 Saber Adak¹⁴

Talqa is a group of Quraysh who were freed from captivity and punishment after the conquest of Mecca in the 8th year of Hijri by accepting Islam and with the Prophet's policy of forgiveness instead of revenge. After a period of withdrawal resulting from political events, from the 11th year of Hijri, with his strong presence in the conquest of Syria, he tried to show his worth and competence to other Muslims with his fighting methods, which were mixed with the spirit of jihad. Having the support of their trade network and the benefits they gained from the entry of goods into the Mediterranean Sea and its shores, they were able to take over all of Syria. Talqa used Sham as a connecting link that transported commercial goods from the Red Sea to the lands along the north Mediterranean Sea route of Egypt, Mecca, Sham and vice versa, and in this way they gained enormous wealth. It was at this time that Talqa thought of learning sea battles in order to preserve the conquered lands of Syria against the attacks of the Rome Empire. The caliphs did not allow Muslims to engage in sea wars, but during the caliphate of Uthman bin Affan and with the insistence of Muawiya bin Abi Sufyan, the conditions for Muslims to become familiar with sea wars were provided and Talqa became powerful and the grounds for their gradual presence in the field of power and government were created. The article deals with their motivations in the conquest of Syria, strengthening interaction with the government and participation in the political field and taking charge of military affairs from the era of Abu Bakr to Ali bin Abi Talib. play a role in the conquest of Syria and stay in that land. In the present article, it is described in a descriptive and analytical way and using library documents, how Talqa tried to establish their position in the government and dominate the entire Levant by keeping the caliphs satisfied, and succeeded in establishing the rule of Al-Tawaifi monarchs there. .

Key words: Fatuh, Sham, Talqa, Abu Sufyan, Muawiyah bin Abu Sufyan

. Ph.D. student, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Yadgar Imam Khomeini Unit, Islamic ¹³
 Azad University, Tehran, Iran. Rafiee.Ebrahimt@gmail.com

. Assistant Professor, Department of History and Civilian of Islamic Nations, Yadegar Imam Khomeini Unit, Islamic ¹⁴
 Azad University, Tehran, Iran. Adaksaber@gmail.com